

**The Potential Impact of the ICJ's Judgment of *Certain Iranian Assets Case* on the Impending Judgment in the Case *Alleged Violations of the 1955 Treaty of Amity*:  
A Legal Analysis  
(Point Of View)**

**Hadi Azari\***

(DOI) : 10.22066/CILAMAG.2024.2024779.2527

Date Received: 12 Mar.2024

Date Accepted: 11 May.2024

**Abstract**

This paper aims to explore the potential influence of the International Court of Justice's (ICJ/ the Court) judgment delivered on March 30, 2023, in the *Certain Iranian Assets Case* on the upcoming judgment in the case concerning *Alleged Violations of the 1955 Treaty of Amity* between Iran and the United States. Given the Court's consistent emphasis on maintaining fidelity to its precedent, particularly in cases dealing with violations of the Treaty of Amity, it becomes imperative to assess the potential impact of the Court's previous judgment on the pending case. This assessment encompasses both the Court's decision on preliminary issues and its final judgment on the merits. As the examination of preliminary issues primarily involves legal and juridical questions, the effect of the earlier judgment on the pending case is likely to be of greater significance.

**Keywords**

International Court of Justice (ICJ), Judgment of 30 March 2023, Bank Markazi, Precedent, Jurisdictional Judgment of 2019, Treaty of Amity 1955, Preliminary Objections, Articles 4 and 10 of Treaty of Amity.

---

\* Associate Professor, Kharazmi University, hadiazari@khu.ac.ir



# بررسی تأثیر احتمالی رأی ۳۰ مارس ۲۰۲۳ دیوان بین‌المللی دادگستری بر رأی آتی دیوان در دعوی نقض‌های ادعایی عهدنامه مودت (نقطه‌نظر)

هادی آذری \*

(DOI) : 10.22066/CILAMAG.2024.2024779.2527

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲

## چکیده

تأکید چندباره دیوان بین‌المللی دادگستری بر پایبندی به رویه قضایی خود از یک طرف، و مطرح شدن نقض مواد متعدد عهدنامه مودت ۱۹۵۵ در دو دعوی برخی اموال ایران و نقض‌های ادعایی عهدنامه مودت از طرف دیگر، این سؤال را به ذهن متبادر می‌کند که یافته‌های دیوان در رأی ماهوی ۳۰ مارس ۲۰۲۳ در دعوی برخی اموال، چه تأثیری بر نتیجه دعوی نقض‌های ادعایی خواهد داشت. این تأثیر احتمالی از دو جهت قابل بررسی است. نخست از جهت ایرادات مقدماتی، سپس از لحاظ موضوعات ماهوی. از آنجا که ایرادات مقدماتی نوعاً موضوعات و مباحث حقوقی را مطرح می‌کنند، احتمال تبعیت دیوان از یافته‌های قبلی خود در این موارد در مقایسه با موضوعات ماهوی بیشتر است.

## واژگان کلیدی

دیوان بین‌المللی دادگستری، رأی ۳۰ مارس ۲۰۲۳، بانک مرکزی، رویه قضایی، رأی صلاحیتی ۲۰۱۹، عهدنامه مودت ۱۹۵۵، ایرادات مقدماتی، مواد ۴ و ۱۰ عهدنامه مودت

## مقدمه

بررسی تأثیر رأی ۳۰ مارس ۲۰۲۳ بر تصمیم آتی دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوی نقض‌های ادعایی عهدنامه مودت، موسوم به دعوی تحریم‌ها مستلزم پاسخ مثبت به این سؤال است که آیا اصولاً دیوان مقید و ملتزم به رویه قضایی خود است؟ ممکن است رهیافت دیوان در رأی ۳۰ مارس ۲۰۲۳ در مواجهه با مسئله شرکت‌بودن بانک مرکزی در نگاه اول، علامت ناامیدکننده‌ای باشد. در این قضیه دیوان برای تشخیص ماهیت بانک مرکزی به جای تمرکز بر ماهیت خرید و فروش اوراق بهادار که در رأی صلاحیتی در ۲۰۱۹ به‌عنوان معیار تشخیص شرکت‌بودن بانک مرکزی تعیین کرده بود، به اهداف آن بانک از معاملات اوراق بهادار تمسک جست. البته دیوان خود دلیل این ناسازگاری را این‌گونه توجیه می‌کند که در آن رأی نگفته است که در بررسی ماهیت تجاری اقدامات بانک مرکزی نباید به رابطه آن اقدامات با وظایف حاکمیتی توجه کرد بلکه برعکس، بررسی این رابطه نیز واجد اهمیت است.<sup>۱</sup>

تغییر معیار یک توصیف حقوقی در فاصله دو رأی در یک دعوا و عدم پایبندی به آنچه در مرحله صلاحیتی به‌عنوان مبنا اعلام شده است، ضمن ایجاد تردیدهای جدی در پایبندی دیوان به یافته‌های قبلی خود، موجب گمراه‌شدن طرفین دعوا به‌ویژه خواهان می‌شود.

تصمیم قضایی همان قدر که نمی‌تواند کاملاً پیش‌بینی‌پذیر باشد، نمی‌تواند و نباید هم دل‌بخواهی و خودسرانه باشد. اطمینان قضایی نه‌تنها موجب جلب اعتماد کشورها به مراجع قضایی بین‌المللی می‌شود، بلکه پذیرش تصمیم آن مراجع را نیز برای طرفین به‌ویژه محکوم‌علیه آسان‌تر می‌کند. با این همه، نباید در اعتراض به رهیافت دیوان در دعوی برخی اموال، راه اغراق پیمود. قضات متعددی در ترکیب دیوان، موضع آن را نقد و نکوهش کردند،<sup>۲</sup> برخی نیز در صدد توجیه عملکرد دیوان برآمده‌اند،<sup>۳</sup> که در اینجا این موضوع بررسی نمی‌شود.

البته دیوان بین‌المللی دادگستری به‌کرات و مستمراً اعلام کرده است که از رویه قضایی خود عدول نمی‌کند مگر آنکه دلیل خاصی برای آن وجود داشته باشد.<sup>۴</sup> عملکرد طولانی دیوان نیز نشانگر وفاداری و پایبندی دیوان به رویه قضایی خود است، اگرچه مواردی از کنارنهادن رویه نیز به چشم می‌خورد. خلاصه آنکه باید موارد عدول و بی‌توجهی به رویه را استثنائی بر قاعده کلی

1. *Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America)*, Merits, Judgment of March, 30, 2023, para. 50.

2. See *Certain Iranian Assets (Islamic Republic Of Iran v. United States of America)*, Merits, Judgment of March, 30, 2023, Separate Opinion of Judge Yusuf, Paras. 7-12, Separate Opinion of Judge Benouna, paras. 2-8, Separate Opinion, Partly Concurring And Partly Dissenting, of Judge Robinson, paras. 2-13; Declaration of Judge Salam, para. 12, Separate Opinion of Judge Momtaz, para. 10.

3. See for instance, *ibid*, Separate Opinion of Judge Nolte Paras. 10-12.

4. *Application of the Convention and Punishment of the Crime of Genocide (Croatia v. Serbia)*, Preliminary Objections, Judgment, I.C.J. Reports 2008, p. 17, para. 53, p. 23, para. 71, p. 35, para. 104.

«وفاداری به رویه»<sup>۵</sup> در نظر گرفت. بر این اساس است که بررسی احتمال تأثیر یافته‌های یک رأی در رأی دیگر معنا پیدا می‌کند. این احتمال، هنگامی تقویت می‌شود که طرفین دعوا همان (ایران و امریکا) مبنای صلاحیت همان (عهدنامه مودت)، و ادعای نقض در هر دو دعوا نیز بر تعهدات و مواد قراردادی مشابه یا یکسان استوار شده باشد. این تأثیر و تأثر می‌تواند در دو مقوله مجزا یعنی مسائل مقدماتی (اعم از صلاحیتی و قابلیت استماع) و مسائل ماهوی (نقض‌های ادعایی) خود را نشان دهد. در صفحات پیش رو به بررسی این نکات پرداخته می‌شود.

### ۱. ایرادات مقدماتی مرتبط با صلاحیت دیوان و قابلیت استماع دعوا

در این بخش، سه ایراد مقدماتی مطرح شده در هر دو دعوا بررسی می‌شوند:

۱. ایراد فقدان صلاحیت برای رسیدگی به ادعای ضبط اموال بانک مرکزی، ۲. ایراد طی نکردن مراجع داخلی امریکا و ۳. ایراد شمول استثنائات ماده ۲۰ عهدنامه مودت.

#### ۱-۱. فقدان صلاحیت موضوعی در رسیدگی به دعوی ضبط اموال بانک مرکزی

دیوان در رأی ۳۰ مارس ۲۰۲۳ خود در دعوی برخی اموال ایران، به جای تمرکز بر ماهیت خرید و فروش اوراق بهادار که در رأی صلاحیتی در ۲۰۱۹ به‌عنوان معیار تشخیص شرکت محسوب شدن بانک مرکزی تعیین کرده بود، به اهداف بانک مرکزی از معاملات اوراق بهادار تمسک بسته و نهایتاً به عدم صلاحیت رسیدگی خود به ادعای مربوط به ضبط اموال بانک مرکزی رأی داد.<sup>۶</sup> دیوان برای توجیه ناسازگاری رأی نهایی با رأی ۲۰۱۹ اظهار می‌دارد که در آن رأی نگفته است که در بررسی ماهیت تجاری اقدامات بانک نباید به رابطه آن اقدامات با وظایف حاکمیتی توجه کرد بلکه برعکس، بررسی این رابطه نیز واجد اهمیت است.<sup>۷</sup> این در حالی است که دیوان در رأی ۲۰۱۹ تصمیم گرفته بود که برای شرکت محسوب شدن شخص حقوقی در مفهوم معاهده، ماهیت فعالیت‌های تجاری آن شخص تعیین‌کننده است حتی اگر آن اقدامات جزء فعالیت‌های اصلی آن شخص نباشد.<sup>۸</sup> در واقع به موجب رأی نهایی، آنچه به نظر دیوان تعیین‌کننده است، فعالیت‌های تجاری و رابطه آن‌ها با وظایف حاکمیتی است، نه صرف فعالیت‌های تجاری شخص حقوقی که

۵. قاعده وفاداری به رویه (precedent) را نباید با قاعده الزام‌آور بودن رویه (stare decisis) اشتباه گرفت. دومی در حقوق

بین‌الملل و دیوان بین‌المللی دادگستری پذیرفته نشده است. برای مطالعه بیشتر، ن.ک:

Mohamed Shahabuddeen, *Precedent and the World Court*, (Cambridge University Press, 1996), 2.; Gilbert Guillaume, "The Use of Precedent by International Judges and Arbitrators," *Journal of International Dispute Settlement* 2 (2011): 5-23.

۶. Supra note 1, 50.

۷. Supra note 1, 51.

۸. *Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America)*, Preliminary Objections, Judgment, I.C.J. Reports 2019 (I), pp. 34-35, para. 92.

در رأی ۲۰۱۹ قید کرده بود.

حال سؤال این است که آیا با توجه به تصمیم دیوان مبنی بر شرکت تلقی نشدن بانک مرکزی، ادعای ایران در پرونده تحریم‌ها تا حدی که مربوط به آن بانک است بر مبنای مواد مذکور، مردود اعلام خواهد شد؟ طبیعی است که اگر یافته دیوان، قابل تسری به این دعوا دانسته شود، پاسخ مثبت است. اما باید توجه داشت که یافته دیوان راجع به شرکت نبودن بانک مرکزی بر نوع فعالیت بانک مرکزی در ارتباط با اوراق بهادار مطروحه در پرونده پترسون<sup>۹</sup> مبتنی بود. بدیهی است که آن یافته راجع به همان فعالیت در هر دعوای دیگری قابل استناد و استفاده است اما امکان اثبات شرکت بودن بانک مرکزی طبق عهدنامه مودت در وضعیت‌های دیگر منتفی نیست؛ لذا اگر ایران بخواهد مجدداً اقدامات ایالات متحده علیه بانک مرکزی را به‌عنوان شرکت مطرح کند، لازم است تطابق فعالیت‌های بانک مرکزی با معیار مورد اشاره در بند ۵۰ رأی دیوان را به اثبات رساند.

## ۱-۲. ایراد عدم رعایت قاعده طی کردن مراجع داخلی

اولین ایراد ایالات متحده درباره قابلیت پذیرش<sup>۱۰</sup> در مرحله ماهوی دعوای برخی اموال، به طی نکردن مراجع داخلی امریکا توسط شرکت‌های ایرانی مربوط می‌شود. از نظر خواننده، ادعای مطرح شده طبق مواد ۳، ۴ و ۵ مبنی بر رفتار انجام شده با شرکت‌هایی که به مراجع داخلی امریکا رجوع ننموده‌اند، خارج از صلاحیت دیوان است و باید مردود اعلام شود.<sup>۱۱</sup> دیوان قبل از ورود به بررسی استدلال‌های طرفین و اعلام نظر خود در آن مورد به تذکر دو نکته آیینی در مورد ایراد مزبور می‌پردازد: اول آنکه بر اساس رویه دیوان، هنگامی که رسیدگی‌ها بر مبنای حمایت دیپلماتیک آغاز می‌شوند، ایرادات مبنی بر عدم طی مراحل داخلی جبران خسارت، به قابلیت پذیرش دعوا مربوط می‌شود نه به صلاحیت دیوان.<sup>۱۲</sup> در واقع دیوان متذکر می‌شود که طرفین دعوا در ارائه استدلال‌های خود لازم است به توصیف صحیح ایرادات مطروحه توجه و عنایت داشته باشند. نکته دوم آنکه دیوان گوشزد می‌کند که خواننده این ایراد را در مرحله ماهوی رسیدگی مطرح کرده است در حالی که در مورد ایرادات مقدماتی در ۱۳ فوریه ۲۰۱۹ رأی مقدماتی خود را در همین قضیه صادر کرده است. البته دیوان اضافه می‌کند که با توجه به اینکه ایران در پاسخ خود به ایراد فوق به رأی مزبور اشاره نمی‌کند، بلکه به اثبات عدم کاربرد قاعده طی کردن مراجع داخلی در این قضیه و غیرمؤثر بودن شیوه‌های جبران خسارت در سیستم حقوقی امریکا بسنده می‌کند، او نیز صرفاً از

9. District Court for the Southern District of New York in Peterson et al. v. Islamic Republic of Iran et al., Case No. 10 Civ. 4518 (BSJ) (GWG).

10. Admissibility/Recevabilité

11. Supra note 1, 55.

12. Supra note 1, 56.

این جهت مسئله را بررسی می‌کند.<sup>۱۳</sup>

ایالات متحده معتقد بود که دعوای دولت ایران از آن جهت که ایران به نمایندگی از شرکت‌های متأثر از اقدامات ایالات متحده اقامه کرده است، دعوای حمایت دیپلماتیک است، پس لازم بود شرکت‌های ایرانی ابتدا به مراجع داخلی آمریکا مراجعه می‌کردند، و از آنجا که به‌جز در دو پرونده بنت<sup>۱۴</sup> و وینشتاین<sup>۱۵</sup> این اقدام صورت نگرفته است، دیوان باید از رسیدگی به ادعای ایران خودداری کند. پاسخ ایران دولایه بود؛ در وهله اول استدلال نمود که ادعاهایش ناشی از صدمات وارد شده به خود دولت ایران است که در بخشی شامل صدمات وارده به شرکت‌هایش نیز می‌شود که از این لحاظ قاعده طی کردن مراجع داخلی اعمال نمی‌شود. در وهله دوم ایران مدعی شد که حتی در صورت اعمال قاعده بر دعوای ایران، به دلیل رفتار تبعیض‌آمیز خوانده با شرکت‌های ایرانی، هرگونه اقامه دعوا از سوی آن‌ها از همان ابتدا در آمریکا محکوم به شکست بوده است.<sup>۱۶</sup> ایران در تقویت استدلال اول خود از جمله به رأی/وئا<sup>۱۷</sup> اشاره می‌کند که در آن دیوان به دلیل شرایط خاص وابستگی متقابل بین حقوق دولت و حقوق فرد موضوع دعوا، تبعیت از قاعده را لازم نمی‌داند. اما دیوان این استدلال را نمی‌پذیرد و رابطه حقوق فرد و حقوق دولت در دو دعوا را شبیه هم نمی‌داند.<sup>۱۸</sup> ولی دیوان استدلال دوم ایران مبنی بر فقدان ابزار مؤثر برای جبران خسارت در آمریکا را قابل قبول تشخیص می‌دهد و این ادعای ایران را می‌پذیرد که طبق رویه قضایی مستقر در ایالات متحده آمریکا، در مواردی که بین یک معاهده و قانون تصویب شده پس از آن معاهده، تناقض صریح وجود داشته باشد، مطابق قوانین ایالات متحده آمریکا، قانون مزبور معاهده را ملغی می‌کند. این رویه منجر به آن می‌شود که در هر صورت محاکم آمریکا قانون فدرال از جمله آن‌هایی را که در این قضیه موضوع اختلاف بین طرفین دعوا هستند اعمال کنند؛ لذا شرکت‌های ایرانی مورد بحث، هیچ امکان معقولی برای استیفای موفقیت‌آمیز حقوق خود در دادگاه ایالات متحده نداشتند. دیوان با تأیید این استدلال اعلام کرد که ایراد ایالات متحده مبنی بر طی نکردن مراجع داخلی قابل تأیید نیست.<sup>۱۹</sup>

در مورد ایراد عدم مراجعه شرکت‌های ایرانی به دادگاه‌ها و مراجع محلی آمریکا در پرونده نقض‌های ادعایی عهدنامه مودت، باید در نظر داشت که ایراد عدم مراجعه به محاکم داخلی آمریکا

13. Supra note 1, 57-58.

14. *Bennett v. Islamic Republic of Iran*, CASE NO. CV-11-5807-(CRB) (NJV) (N.D. Cal. Apr. 27, 2012).

15. *Weinstein v. Islamic Republic of Iran*, Civil Action No. 00-2601 (RCL) (D.D.C. Feb. 6, 2002).

16. Supra note 1, 60.

17. *Avena and Other Mexican Nationals (Mexico v. United States of America)*, International Court of Justice (ICJ), March 31, 2004.

18. Supra note 1, 65.

19. Supra note 1, 69-73.

در مورد تعهدات صرفاً بین‌الدولی از جمله تعهدات ناشی از ماده ۱۰ عهدنامه مودت مصداق ندارد. در مورد سایر ادعاهای مرتبط با حقوق اشخاص نیز ایران می‌تواند سابقه قوانین و رفتار امریکا و نیز بی‌حاصل بودن مراجعه به مراجع اداری از جمله خزانه‌داری را مستند به آورده دیوان در رأی ۳۰ مارس ۲۰۲۳ مطرح نماید. در هر حال، استدلالی که در دعوی برخی اموال پذیرفته شد مبنی بر اینکه تحریم‌های امریکا که در قالب قوانین کنگره یا مقررات قوه مجریه وضع شده‌اند اساساً قابل معارضه و چالش نزد محاکم داخلی این کشور نیستند، در این دعوا نیز می‌تواند کارساز باشد. علاوه بر این نباید تفاوت دو دعوا را از نظر دور داشت. موضوع دعوی برخی اموال، حقوق مشخص و عینی برخی شرکت‌های ایرانی از جمله بانک مرکزی بود، در حالی که در دعوی نقض‌های ادعایی، موضوع اختلاف، تحریم‌های ۸ مه ۲۰۱۸ موسوم به تحریم‌های هسته‌ای است که از نظر ایران در نقض مواد متعدد عهدنامه مودت ۱۹۵۵ توسط امریکا بر افراد و شرکت‌های ایرانی تحمیل شده‌اند. به عبارت دیگر، ایران در این دعوا نه بر حقوق مشخص اشخاص، بلکه بر اتخاذ یک سیاست کلی توسط امریکا علیه اشخاص ایرانی تأکید کرده است، پس می‌تواند در کنار سایر استدلال‌ها به اقدامات امریکا به عنوان «الگوی رفتاری (یا رفتار سیستماتیک)»<sup>۲۰</sup> استناد کند؛ استدلالی که پذیرش آن، خواهان را از رعایت قاعده طی کردن مراجع داخلی خوانده معاف می‌کند.<sup>۲۱</sup>

استدلال دیگری که در این دعوا در رد اعمال قاعده لزوم مراجعه به محاکم داخلی می‌توان ارائه داد، فراسرزمینی بودن اقدامات امریکا و زیان دیدن اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی از آن اقدامات، بدون حضور و فعالیت در سرزمین آن کشور است. به عبارت دیگر، الزام به مراجعه به مراجع قضایی داخلی مبتنی بر این فرض است که تبعه خارجی در سرزمین کشور خوانده بوده و تحت صلاحیت سرزمینی محاکم آن کشور قرار داشته است. بر همین مبنا بند (ج) ماده ۱۵ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به حمایت دیپلماتیک، فقدان رابطه مؤثر<sup>۲۲</sup> بین فرد زیان‌دیده و کشوری را که ادعا می‌شود مسئول آن زیان است، استثنایی بر قاعده لزوم طی کردن مراجع داخلی قلمداد کرده است.<sup>۲۳</sup> بر این اساس می‌شود استدلال کرد که کشوری که به اتخاذ اقدامی مبادرت می‌کند که فرد خارجی را خارج از سرزمین آن کشور تحت تأثیر قرار می‌دهد (مانند تحریم‌ها در این قضیه) قاعدتاً نباید انتظار داشته باشد آن فرد برای احقاق حق خود به مراجع داخلی آن کشور رجوع نماید.

20. Pattern of conduct/ comportement systématique.

21. Application of the International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism and of the International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination (*Ukraine v. Russian Federation*), Preliminary Objections, Judgment, I.C.J. Reports 2019, p. 606, para. 130.

22. Relevant connection

23. Draft Articles on Diplomatic Protection (2006), Vol II. Year Book of International Law Commission, Art. 15(c).

همچنین شایسته است نکته آیینی که دیوان نیز متذکر شده است مبنی بر اینکه چنین ایرادی طبیعتاً مقدماتی دارد و لازم است خواننده آن را در مرحله ایرادات مقدماتی مطرح کند، مورد استفاده و استناد قرار گیرد؛ اگرچه به نظر نمی‌رسد که به این دلیل ایراد امریکا مردود اعلام شود.

### ۱-۳. رد مدافعان ایالات متحده بر مبنای بند (ج) ماده ۲۰ معاهده ۱۹۵۵

در قضیه برخی اموال، ایالات متحده در مرحله ایرادات مقدماتی با استناد به شق (c) و (d) بند ۱ ماده ۲۰ عهدنامه مودت، از دیوان خواسته بود اعلام کند که در رابطه با همه ادعاهای ایران مبنی بر نقض عهدنامه مودت از طریق اقدامات ایالات متحده در چارچوب دستور اجرایی شماره ۱۳۵۹۹ فاقد صلاحیت است. دیوان با رد ایراد امریکا اعلام کرد که مواد مورد استناد، فاقد آثار محدودکننده بر صلاحیت آن بوده و صرفاً به طرفین، فرصتی برای انجام دفاع در ماهیت دعوا، زمانی که فرصت آن وجود داشته باشد، اعطا می‌نمایند.<sup>۲۴</sup>

ایالات متحده در دفاعیه نهایی خود در پایان مرحله رسیدگی ماهوی، دوباره به همان مواد برای درخواست از دیوان، «برای رد کلیه ادعاهای مربوط به شناسایی اقدامات ایالات متحده در بلوکه و مسدودکردن اموال دولت ایران یا مؤسسات ایرانی (بر اساس فرمان اجرایی شماره ۱۳۵۹۹) به‌عنوان هرگونه نقض عهدنامه مودت، بر مبنای شق (ج) و (د) بند ۱ ماده ۲۰» استناد کرده است.<sup>۲۵</sup> طبق این ماده، «عهدنامه حاضر، مانعی برای اجرای این اقدامات نیست:

ج. ساماندهی تولید یا تجارت اسلحه، مهمات یا ملزومات جنگی یا تجارت سایر موادی که مستقیم یا غیرمستقیم به منظور تهیه لوازم برای یک مؤسسه نظامی صورت پذیرد.

د. اقدامات ضروری به منظور ایفای تعهدات یک طرف معظم متعاهد برای حفظ یا احیای صلح و امنیت بین‌المللی یا با هدف حفاظت از منافع اساسی امنیتی طرف مزبور».<sup>۲۶</sup>

به زعم ایالات متحده، انسداد اموال ایران و مؤسسات مالی ایرانی در ایالات متحده به موجب دستور اجرایی ۱۳۵۹۹ در ۲۰۱۲ با توجه به بند (ج) ماده ۲۰ موجه بوده است زیرا دستور مذکور برای کنترل اقدامات ایران در تجارت تسلیحات، تولید موشک‌های بالستیک و حمایت مالی ایران از تروریسم صادر شده است. اما دیوان تفسیر موسع ایالات متحده از بند (ج) را نپذیرفت بلکه به سمت تفسیر ایران از این بند معاهده متمایل شد. به عقیده دیوان، نص بند (ج) متضمن حق وضع محدودیت برای تولید، تجارت، صادرات و واردات تسلیحات متعلق به طرف وضع‌کننده محدودیت

24. Supra note 1, 94.

25. Supra note 1, 95.

۲۶. شایان ذکر است که در دعوی مطرح‌شده نزد دیوان در ارتباط با بند فرعی (د)، خواننده صرفاً بر بخش دوم این بند آخر یعنی «حفاظت از منافع اساسی امنیتی خود» تکیه کرده و ادعا نکرده است که اقدامات مورد مناقشه، «اقدامات ضروری به منظور ایفای تعهدات یک طرف معظم متعاهد برای حفظ یا احیای صلح و امنیت بین‌المللی» بوده است.



بوده و این حق نمی‌تواند به تولید، خرید و فروش تسلیحات توسط طرف دیگر یا در قلمرو طرف دیگر معاهده تسری یابد.<sup>۲۷</sup> به عبارت دیگر، دیوان دامنه اعمال استثنای بند (ج) را محدود به سرزمین طرفین می‌داند.

در پرونده نقض‌های ادعایی عهدنامه مودت نیز ایالات متحده برای توجیه وضع مجدد تحریم‌ها علیه ایران، به بندهای (ب) و (د) ماده ۲۰ استناد می‌کند و دوباره از دیوان می‌خواهد تا با عدول از رویه مستقر خود، این دفاع را ایراد مقدماتی تلقی کند.<sup>۲۸</sup> اما دیوان این درخواست را نپذیرفت.<sup>۲۹</sup> امریکا مدعی است که برخلاف بندهای (الف) و (ج) ماده ۲۰ که در آن‌ها از عبارت «تنظیم واردات و صادرات» یا «تنظیم تولید و معاملات تسلیحات» استفاده شده است، در بند (ب) به‌طور مطلق به تدابیر «مربوط به» مواد هسته‌ای و تولیدات و منابع رادیو اکتیو اشاره می‌شود که اختیار بیشتری به دولت‌های متعاقد در مورد نوع تدابیر متخذه داده است. ملاحظه شد که دیوان در رأی برخی اموال در تفسیر بند (ج) ماده ۲۰ صلاحیت هر یک از طرفین معاهده را به اتخاذ تدابیر مربوط به تنظیم تولید یا معاملات تسلیحات مربوط به همان دولت صادرکننده محدود کرد و دخالت آن دولت در امر تنظیم تولید یا معاملات تسلیحاتی طرف دیگر معاهده یا سرزمین همان طرف را موجه تشخیص نداد. این در حالی است که در متن بند (ج) اساساً به کلمه سرزمین اشاره نشده است. بر این اساس این سؤال مطرح می‌شود که آیا دیوان در پرونده تحریم‌ها از همین محدودیت سرزمینی اختیارات حاکمیتی برای تفسیر بند (ب) نیز استفاده خواهد کرد؟ اگر پاسخ مثبت باشد، ممکن است اقدام ایالات متحده در وضع تحریم‌های ثانویه با استناد به بند فوق قابل توجیه تشخیص داده نشود.

در مورد ادعای ایالات متحده مبنی بر ضروری بودن صدور دستور اجرایی ۱۳۵۹۹ برای حفظ امنیت حیاتی آن کشور طبق بند (د) ماده ۲۰ نیز دیوان رأی داد که در دستور مذکور، اشاره‌ای به ملاحظات امنیتی نشده است بلکه این دستور متضمن مقرراتی در مورد عملکرد مؤسسات مالی ایران، معایب سیستم مقابله با پولشویی ایران و خطرات آن برای سیستم مالی بین‌المللی است؛ لذا حتی به فرض قبول صلاحیت نسبی ایالات متحده برای اتخاذ تدابیر امنیتی مغایر با تعهدات معاهده ۱۹۵۵، آن دولت نتوانسته است ثابت نماید که دستور اجرایی فوق برای حفظ امنیت حیاتی امریکا ضروری بوده است.<sup>۳۰</sup> در پرونده تحریم‌ها نیز ایالات متحده برای توجیه وضع مجدد تحریم‌ها علیه ایران به موجب صدور دستور اجرائیه ۱۳۸۶۴ و سایر دستورهای اجرایی و تصمیمات آن دولت به همین بند استناد کرده است. هرچند در دستور اجرائیه مذکور همچون دستور اجرایی ۱۳۵۹۹ به

27. Supra note 1, 102.

28. *Alleged Violations of the 1955 Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights (Islamic Republic of Iran v. United States of America)*, Preliminary Objections, Judgment, I.C.J. Reports 2021, p. 98.

29. *Ibid.*, p. 113.

30. Supra note 1, 108.

ملاحظات امنیت ایالات متحده برای توجیه تحریم‌ها اشاره نمی‌شود، توجیه امنیتی ایالات متحده از مصادیق اتهامات ذکر شده علیه ایران در دستور مذکور به‌طور ضمنی قابل استنباط است. علاوه بر این در دستور اجرایی ۱۳۸۶۴ به بیانیه ۸ مه ۲۰۱۸ دولت ترامپ نیز اشاره شده که در آن بر حفظ امنیت ایالات متحده در مقابل تهدید ایران تأکید شده است. اما در مقابل ایران می‌تواند بر این مسئله پافشاری کند که در رابطه با موضوع هسته‌ای، آژانس انرژی هسته‌ای بین‌المللی در قطعنامه‌های متعددی در بازه زمانی مورد اختلاف (از زمان خروج امریکا از برجام تا زمان خروج آن از عهدنامه مودت) بر اجرای برجام توسط ایران و مسالمت‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران تأکید کرده که دال بر کذب ادعای تهدید منافع حیاتی ایالات متحده از سوی ایران است. اثبات اتهام حمایت ایران از تروریسم و توسعه برنامه موشکی و متزلزل نمودن امنیت منطقه خاورمیانه به‌راحتی برای ایالات متحده ممکن نیست. در مجموع با توجه به همه اوضاع و احوال قضیه احتمال دارد که دیوان همچون رأی اخیر در پرونده ضبط اموال، اعمال تحریم‌های امریکا علیه ایران را به علت عدم اثبات وجود تهدید امنیتی حیاتی ایالات متحده نپذیرد یا حداقل به لحاظ گسترده بودن تحریم‌ها آن‌ها را نامتناسب و غیرضروری تلقی نماید.

## ۲. در ماهیت: نقض‌های مواد معاهده ۱۹۵۵

در رأی ۳۰ مارس ۲۰۲۳ دیوان در ابتدا ضمن اشاره به اقدامات تقنینی، اجرایی و قضایی ایالات متحده از ۲۰۰۲ به‌عنوان موضوع ادعاهای ایران تصریح می‌کند که این اقدامات به‌طور مشخص شامل بخش (a) ۲۰۱ قانون بیمه مخاطرات تروریستی (TRIA) و ماده (۱) (g) ۱۶۱۰ قانون مصونیت دولت خارجی (FSIA)، تصمیمات محاکم ایالات متحده در اجرای قوانین مذکور و دستور اجرایی ۱۳۵۹۹ مبنی بر انسداد اموال ایران و شرکت‌های ایرانی است.<sup>۳۱</sup> دیوان سپس ادعاهای ایران مبنی بر نقض ۷ قسمت از ۵ ماده معاهده ۱۹۵۵ از طریق ارتکاب اقدامات مذکور توسط ایالات متحده را بررسی و انشای رأی کرد. مواد مورد اشاره ایران در هر دو دعوا عبارت‌اند از مواد ۴، ۵، ۷، ۱۰، ۱۱ عهدنامه مودت که در ادامه تشریح می‌شود.

### ۲-۱. ماده ۴ (۱) معاهده ۱۹۵۵ توسط ایالات متحده

طبق این مقرر: «هر یک از طرفین معظمین متعاهدین در تمام مواقع نسبت به اتباع و شرکت‌های طرف معظم متعاهد دیگر و اموال مؤسسات ایشان رفتار منصفانه و عادلانه مرعی خواهد داشت و از اتخاذ اقدامات غیرمعقول و تبعیض‌آمیزی که به حقوق و منافع مکتسبه قانونی ایشان لطمه وارد آورد خودداری خواهد نمود و برای اجرای حقوق قانونی آنان که در نتیجه قراردادی به دست آمده

31. Supra note 1, 150.

باشد، وسایل مؤثری طبق قوانین مربوطه تهیه و تأمین خواهد کرد». در ابتدا لازم به ذکر است که در رأی برخی/اموال، دیوان ماده ۴ را در پیوند با ماده ۳ عهدنامه بررسی کرد؛ لذا اشاره به ماده اخیر در این تحلیل اجتناب‌ناپذیر است. در رأی برخی/اموال، دیوان ابتدا اعلام کرد که منظور از «وضعیت حقوقی» در ماده ۳(۱) شخصیت حقوقی مستقل شرکت‌ها بوده و به رسمیت شناختن شخصیت حقوقی به منزله موجودیت قانونی مستقل شرکت از سهام‌داران حقیقی یا حقوقی آن است؛ هرچند در موارد استثنایی می‌توان این استقلال شرکت را نادیده گرفت. دیوان سپس تصریح می‌کند که گرچه بین طرفین راجع به شخصیت حقوقی مستقل شرکت‌های ایرانی موضوع پرونده توافق حاصل است، آن‌ها در مورد نقض شخصیت حقوقی مستقل آن شرکت‌ها توسط ایالات متحده از طریق وضع قوانین و صدور احکام دادگاه‌ها و مشروعیت آن اقدامات اختلاف نظر دارند. به نظر دیوان، صرف حضور شرکت‌ها در مدافعات نزد دادگاه‌های داخلی برای به رسمیت شناخته شدن وضعیت حقوقی آن‌ها کافی نیست؛ لذا برای تعیین نادیده گرفتن شخصیت حقوقی شرکت‌های ایرانی باید این موضوعات در قالب تعهدات ایالات متحده ذیل بند ۴(۱) بررسی شود.<sup>۳۲</sup>

در رابطه با بخش اول ماده ۴(۱) راجع به تعهد طرفین بر رفتار منصفانه و عادلانه با اتباع و شرکت‌ها و اموال و بنگاه‌های یکدیگر، به نظر دیوان در نتیجه اعمال قوانین و اجرای احکام دادگاه‌های ایالات متحده به حقوق شرکت‌های ایرانی جهت حضور و ارائه مدافعات خود نزد آن دادگاه‌ها و اعتراض به تصمیمات آن‌ها به خودی خود، خدش‌های وارد نشده و در نتیجه ممانعت از حقی رخ نداده است.<sup>۳۳</sup>

در مورد بخش دوم همین ماده مبنی بر اجتناب طرفین از اعمال تدابیر غیرمنطقی تبعیض‌آمیز بر حقوق و منافع قانونی شرکت‌ها نیز به نظر دیوان هرچند بین بخش‌های اول و دوم بند ۱ همپوشانی وجود دارد، رفتار دولت‌های متعاقد در پرتو دو اصطلاح «غیرمنطقی» یا «تبعیض‌آمیز» در چارچوب استانداردهای متمایز ارزیابی خواهد شد.<sup>۳۴</sup> دیوان سپس با برشمردن معیارهای مربوطه تأکید کرد که به طور کلی وضع مقررات برای جبران خسارات خواهان‌های امریکایی و توقیف اموال محکوم‌علیه جهت اجرای احکام صادره، اقدامی مشروع برای اهداف عمومی است. با این حال، چون این مقررات تا حد زیادی از تأمین اهداف مذکور فراتر رفته‌اند، غیرمنطقی و نقض بخش دوم ماده ۴ تلقی می‌شوند. همچنین به نظر دیوان، تدابیر قانونی و قضایی ایالات متحده به جهت نادیده گرفتن شخصیت حقوقی شرکت‌های ایرانی، غیرمنطقی بوده و منجر به نقض ماده ۴(۱) معاهده ۱۹۵۵ شده است.

32. Supra note 1, 135-140.

33. Supra note 1, 141.

34. Supra note 1, 145.

در رابطه با دستور اجرایی شماره ۱۳۵۹۹ نیز دیوان عقیده دارد که چون دستور مذکور چند سال بعد از اصلاح قانون مصونیت دولت خارجی در ۲۰۰۸ صادر شده، هدف از صدور آن زمینه‌سازی برای پرداخت غرامت به دارندگان احکام به‌اصطلاح ضدتروریستی نبوده است. اما این دستور با توجه به اهداف ایالات متحده از صدور آن، اقدامی نامتناسب با اهداف مدنظر بوده، لذا از این جهت نیز بند ۱ ماده ۴ عهدنامه مودت نقض شده است.<sup>۳۵</sup>

در پرونده نقض‌های ادعایی عهدنامه مودت، ماده ۴(۱) مبنای مهم و اصلی ادعای ایران در رابطه با تحریم‌های اولیه و ثانویه ایالات متحده است.<sup>۳۶</sup> ایالات متحده مدعی است که این بند دارای سه تعهد جداگانه نیست بلکه متضمن تعهدی واحد مبنی بر رعایت استاندارد حداقلی حقوق بین‌الملل به معنای رفتار عادلانه از سوی یک طرف با اتباع و شرکت‌های طرف مقابل است. ملاحظه شد که دیوان با رد تفسیر ایالات متحده در رأی ۲۰۲۳ تأکید کرد که بند ۱ ماده ۴ مشتمل بر سه تعهد مستقل است؛<sup>۳۷</sup> لذا می‌توان گفت که با توجه به رأی مذکور، دیوان تفسیر مشابه ایالات متحده در پرونده تحریم‌ها را نخواهد پذیرفت.

دیوان همچنین توضیح داد که تعهدات ناظر به خودداری از رفتار «غیرمنطقی» و رفتار «تبعیض‌آمیز»، معیارهای متفاوتی دارند و سپس به تفسیر تعهد «رفتار غیرمنطقی» اکتفا نمود.<sup>۳۸</sup> با توجه به تفاوت موضوعی ادعاها در دو پرونده مورد بحث، دیوان باید در پرونده تحریم‌ها به تفسیر تعهدات سه‌گانه بند ۱ ماده ۴ در پرتو موضوع ادعا به‌ویژه وضع مقررات تبعیض‌آمیز علیه شرکت‌های ایرانی اقدام کند. انتظار می‌رود که دیوان تحریم‌های ایالات متحده را که موجب لغو معاملات بین شرکت‌های ایرانی و طرف‌های امریکایی آن‌ها پس از خروج از برجام شده است، ناقض بند ۱ ماده ۴ تشخیص دهد.

اما حتی چنانچه دیوان هر سه تعهد مقرر در بند ۱ ماده ۴ را به نفع ایران تفسیر نماید، موضوع تعیین‌کننده در رابطه با تحریم‌های ثانویه، قلمرو سرزمینی تعهدات سه‌گانه در آن بند است. ایالات متحده مدعی است که تعهدات مذکور ناظر به روابط تجاری و اقتصادی دو کشور است و به تحریم‌های ایالات متحده علیه معاملات بین شرکت‌های ایرانی و اتباع کشورهای ثالث مربوط نمی‌شود.<sup>۳۹</sup> دیوان در رأی صلاحیتی صادره در پرونده سکوه‌های نفتی به سرزمینی‌بودن تعهد مقرر در بند ۱ اشاره کرده است. به عقیده دیوان، بند ۱ ماده ۴ برخلاف بندهای دیگر این ماده، فاقد محدودیت سرزمینی بوده و بر این اساس، تضمین مطلق بند ۱ در مقایسه با تعهدات مقرر در سایر

35. Supra note 1, 158.

36. See Memorial of Iran in *Alleged Violations of the 1955 Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights (Islamic Republic of Iran v. United States of America)*, p. 136.

37. Supra note 1, 140.

38. Supra note 1, 145-146.

39. Supra note 28, 61.

بندها در رابطه با مصادره یا مداخله در اموال یا مدیریت بنگاه‌ها دارای محدوده وسیع‌تری است.<sup>۴۰</sup> بنابراین با توجه به موکول شدن تصمیم‌گیری راجع به ایراد ایالات متحده به صلاحیت دیوان در رابطه با تحریم‌های ثانویه یا به اصطلاح «تحریم‌های کشورهای ثالث»<sup>۴۱</sup> به مرحله بعد، این احتمال منتفی نیست که دیوان در این دعوا با تأیید تفسیر پیشین خود، تحریم غیرمستقیم یا ثانویه با عهدنامه مودت را بررسی کند. طبیعی است که تفسیر مخالف منجر به این می‌شود که ادعای ایران راجع به تحریم‌های ثانویه (روابط تجاری بین ایران و سایر شرکت‌های خارجی) که بخش اصلی پرونده را تشکیل می‌دهد، از صلاحیت رسیدگی دیوان خارج شود.

## ۲-۲. ماده ۴(۲) معاهده به علت مصادره اموال شرکت‌های ایرانی

طبق این مقرر: «اموال اتباع و شرکت‌های هر یک از طرفین معظمین متعاهدین از جمله منافع اموال از حد اعلای حمایت و امنیت دائم به نحوی که در هیچ مورد کمتر از مقررات قانون بین‌المللی نباشد در داخل قلمرو طرف متعاهد معظم دیگر برخوردار خواهد بود. این اموال جز به منظور نفع عامه، آن هم بی‌آنکه غرامت عادلانه آن‌ها به اسرع اوقات پرداخت شود گرفته نخواهد شد. غرامت مزبور باید به وجه مؤثری قابل تحقق باشد و به نحو کامل معادل مالی خواهد بود که گرفته شده است و قبل از آنکه گرفته یا در حین گرفتن مال، قرار کافی جهت مبلغ غرامت و پرداخت آن داده خواهد شد».

به نظر دیوان در رأی ۳۰ مارس ۲۰۲۳ تردیدی نیست که در راستای اجرای قوانین ایالات متحده، اموال شرکت‌های ایرانی توقیف و به نفع خواهان‌های امریکایی در رابطه با احکامی که علیه ایران صادر شده، ضبط شده‌اند. همچنین تردیدی نیست که شرکت‌های ایرانی بابت مصادره اموالشان غرامتی دریافت نکرده‌اند.<sup>۴۲</sup> با این حال، به نظر دیوان، صرف توقیف یا ضبط اموال به منزله مصادره آن‌ها نیست بلکه شرط پرداخت خسارات به صاحب اموال، غیرقانونی بودن ضبط اموال است زیرا مطابق حقوق بین‌الملل، وضع مقررات غیرتبعیض‌آمیز با حسن نیت توسط دولت‌ها برای حفظ منافع عمومی، مصادره غیرقانونی محسوب نمی‌شود هر چند اختیارات دولت‌ها در این مورد نامحدود نیست.<sup>۴۳</sup> نهایتاً از نظر دیوان، با توجه به غیرمنطقی بودن بخش (الف) ۲۰۱ قانون بیمه مخاطرات تروریستی (TRIA) و ماده (۱) (g) ۱۶۱۰ قانون مصونیت دولت خارجی و اعمال آن‌ها توسط دادگاه‌های امریکا، اقدامات ایالات متحده که منجر به ضبط اموال و منافع برخی

40. *Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v. United States of America)*, Preliminary Objection, Judgment, I.C.J. Reports 1996, para. 35.

41. Third country measures

42. *Supra* note 1, 178.

43. *Supra* note 1, 186.

شرکت‌های ایرانی بدون پرداخت غرامت شده‌اند، بند ۲ ماده ۴ را نقض کرده‌اند.<sup>۴۴</sup> اما دیوان وضعیت را در رابطه با دستور اجرایی ۱۳۵۹۹ متفاوت می‌بیند. به عقیده دیوان، ایران نتوانسته است مصادیقی از اموال شرکت‌های ایرانی را نشان دهد که به موجب دستور اجرایی مزبور مسدود شده‌اند. به زعم دیوان، ایران پذیرفته است که تأثیر اصلی دستور اجرایی بر انسداد اموال بانک مرکزی بوده که رسیدگی به آن خارج از صلاحیت دیوان است؛ لذا دستور اجرایی منتهی به مصادره اموال شرکت‌های ایرانی و در نتیجه نقض ماده ۴(۲) نشده است.<sup>۴۵</sup> این رهیافت دیوان، مصون از انتقاد و ایراد نیست. یک عمل تقنینی می‌تواند نقض حقوق بین‌الملل تلقی شود حتی اگر اجرا نشده باشد. همان‌طور که کمیسیون حقوق بین‌الملل در تفسیر مواد راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت خاطر نشان می‌سازد، اقدام متخلفانه بین‌المللی می‌تواند صرفاً تقنینی باشد. به عبارت دیگر، «برخی تعهدات صرفاً از طریق وضع قانون توسط یکی از ارگان‌های دولتی قابل نقض هستند، به‌ویژه هنگامی که مضمون آن قانون با تعهد بین‌المللی آن دولت در تضاد و تباین باشد».<sup>۴۶</sup> در چنین وضعیتی مسئولیت بین‌المللی آن دولت مطرح می‌شود.

دیوان نیز همین رهیافت را در رویه قضایی خود دنبال کرده است. برای مثال، دیوان در رأی اخیر خود در دعوی نیکاراگوئه علیه کلمبیا، با اشاره به همین بخش از تفسیر کمیسیون حقوق بین‌الملل تأکید کرد که «با در نظر داشت تعهد مورد نظر و شرایط خاص وضعیت، ممکن است وضع قانون داخلی، مسئولیت بین‌المللی یک دولت را به دنبال داشته باشد».<sup>۴۷</sup>

همچنین در قضیه قرار بازداشت، دیوان بین‌المللی دادگستری به این نتیجه رسید که صرف صدور قرار بازداشت، نقض مصونیت‌های یروودیا، وزیر امور خارجه جمهوری دموکراتیک کنگو است.<sup>۴۸</sup> در واقع بلژیک با قصور در رعایت و احترام به مصونیت وزیر امور خارجه کنگو، از طریق وضع قانون و صدور قرار بازداشت، تعهدات بین‌المللی خودش را نسبت به آن کشور نقض کرده بود، اگرچه وضع قانون و صدور قرار به نتیجه نرسیده و اجرا نشده بود. احتمال پایین بازداشت آقای یروودیا و تأثیر کم آن بر انجام فعالیت‌های حرفه‌ای او، در تلقی آن به‌عنوان نقض تعهد بی‌تأثیر بود.<sup>۴۹</sup> صرف اینکه قرار بازداشت می‌توانست منجر به بازداشت وزیر امور خارجه کنگو شود، به عبارت دیگر صرف «خطر بازداشت»، بدون اینکه اقدام اجرایی دیگری لازم باشد، مبنای کافی

44. Supra note 1, 187.

45. Supra note 1, 188.

46. Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts (2001), with commentaries, Vol II. Year Book of the International Law Commission, Part Two, p. 57, para. 12.

47. *Alleged Violations of Sovereign Rights and Maritime Spaces in the Caribbean Sea (Nicaragua v. Colombia)*, Judgment, I.C.J. Reports 2022, p. 339, para. 191.

48. *Arrest Warrant of April 11, 2000, (Democratic Republic of the Congo v. Belgium)*, Judgment, I.C.J. Reports 2002, p. 29, paras. 70-71.

49. Christoph Schreuer and Stephan Wittich, "Immunity v. Accountability: the ICJ's Judgment in the *Yerodia Case*", *International Law FORUM du droit international* 4,3 (2022): 118.

برای احراز نقض تعهدات بین‌المللی بلژیک در باب مصونیت ایشان تلقی شد.<sup>۵۰</sup> در این شرایط، اعلام دیوان مبنی بر اینکه «دستور اجرایی منتهی به مصادره اموال شرکت‌های ایرانی و در نتیجه نقض ماده (۲)۴ نشده است»، نوعی عدول از رویه و غیرقابل قبول است.

حسب رأی دیوان، منظور از بخش اول بند ۲ ماده ۴ دائر بر تعهد به «حمایت دائم و امنیت اموال»، امنیت فیزیکی است نه امنیت قانونی زیرا در غیر این صورت، تعهد مذکور با تعهد مقرر در بند ۱ ماده ۴ مبنی بر رفتار عادلانه و منصفانه همپوشانی پیدا خواهد کرد و چون ایران ادعایی در مورد نقض امنیت فیزیکی اموال شرکت‌های ایرانی مطرح نکرده است، ایالات متحده این بخش از ماده (۲)۴ را نقض ننموده است.

در پرونده تحریم‌ها نیز اگر ایران نتواند در رابطه با تحریم‌های اولیه مصادیقی از به‌خاطراندن امنیت فیزیکی اموال شرکت‌های ایرانی در قلمرو ایالات متحده در نتیجه تحریم‌های ۸ مه ۲۰۱۸ ارائه کند، به احتمال زیاد، دیوان از ورود در بحث حقوقی خودداری یا اینکه صرفاً تفسیر مضیق خود از جمله اول بند ۲ ماده ۴ مبنی بر فیزیکی‌بودن امنیت و حمایت مستمر از اموال و حقوق مالی شرکت‌های ایرانی در ایالات متحده را تکرار خواهد کرد.

در مورد جمله دوم بند ۲ ماده ۴ نیز همین وضعیت عدم معرفی مصادیق مصادره اموال شرکت‌های ایرانی از سوی ایران در نتیجه تحریم‌های اولیه و ثانویه می‌تواند برای ادعای ایران در این بخش خطرآفرین باشد. همچنین است سرزمینی تلقی کردن تعهدات مندرج در این بند. اگر دیوان تعهد امریکا به عدم مصادره مندرج در بند ۲ ماده ۴ را به اموال موجود در قلمرو سرزمینی ایالات متحده یا نهایتاً اموال نزد شرکت‌های امریکایی در خارج آن کشور محدود کند، مبنای حکمی ادعای ایران راجع به مصادره اموال و منافع شرکت‌های ایرانی نزد شرکت‌های غیرامریکایی در داخل یا خارج ایالات متحده با خطر جدی مواجه خواهد شد. اما اگر دیوان در این پرونده به فراسرزمینی‌بودن تعهد عدم مصادره قائل باشد، احتمالاً به بررسی حدود اختیارات حاکمیتی ایالات متحده در اعمال تحریم‌ها (police power) بر اساس رأی ۲۰۱۹ خواهد پرداخت. در آن رأی آمده است که اختیارات حاکمیتی دولت، محدود به اقدامات با حسن نیت برای حمایت از حقوق مشروع عامه است. در آن صورت این احتمال وجود دارد که دیوان با توجه به معیار «منطقی‌بودن» اقدامات، تحریم‌های ثانویه ۸ مه ۲۰۱۸ ایالات متحده را غیرقانونی اعلام نماید.

## ۳-۲. مواد (۱)۵ و (۱)۷ عهدنامه مودت ۱۹۵۵

طبق بند ۱ ماده ۵ عهدنامه: «اتباع و شرکت‌های هر یک از طرفین معظمین متعاهدین در قلمرو

50. Jan Wouters and Louis De Smet, "The ICJ's Judgment in the Case Concerning the Arrest Warrant of 11 April 2000: Some Critical Observations," Year Book of International Humanitarian Law 4, (2001): 378.

طرف معظم متعهد دیگر مجاز خواهند بود که الف. در مدت‌های مناسب، اموال غیرمنقول لازم را برای سکونت یا فعالیت‌های ناشی از عهدنامه حاضر اجاره نمایند.

ب. اموال منقول شخصی را از هر قبیل خریداری یا به نحو دیگری تحصیل کنند.  
ج. اموال خود را از هر قبیل به وسیله فروش یا وصیت یا غیر آن واگذار نمایند. رفتاری که در این موارد به عمل می‌آید در هیچ موردی از رفتاری که نسبت به اتباع و شرکت‌های هر کشور ثالثی به عمل می‌آید، نامساعدتر نخواهد بود».

به نظر دیوان در رأی ۳۰ مارس ۲۰۲۳ جمله اول این بند متضمن تعهد مطلق طرفین در قبال اموال اتباع و شرکت‌ها نیست بلکه طرفین می‌توانند تدابیر حاکمیتی نسبت به اجاره و خرید و فروش اموال اتخاذ نمایند.<sup>۵۱</sup> دیوان توضیح می‌دهد که این تعهد، مجزا از تعهد مذکور در جمله دوم (یعنی بند ج) است که متضمن حداقل استاندارد رفتار با اتباع و شرکت‌ها از سوی دو طرف معاهده است.<sup>۵۲</sup> در هر حال به نظر دیوان، مبنای موضوعی ادعای ایران در رابطه با ماده (۱)۵ شبیه ماده (۲)۴ است که ایالات متحده با مصادره اموال بدون پرداخت غرامت مرتکب نقض آن شده است؛ لذا تدابیر منتهی به مصادره اموال از نوع تدابیری نیست که در محدوده تعهدات دو طرف برای صدور مجوز فروش اموال ذیل ماده ۵ قرار می‌گیرد زیرا تعهد به صدور مجوز، فرع بر مالکیت اموال توسط اتباع و شرکت‌ها و اعمال حقوق مالکانه بر آن اموال است؛ لذا ماده (۱)۵ بر وضعیت اموال اعمال نمی‌شود.<sup>۵۳</sup>

در رابطه با نقض این بند با فرمان اجرایی ۱۳۵۹۹، دیوان متذکر می‌شود که اموال و منافع اموال مسدودشده توسط این فرمان اجرایی «نمی‌تواند موضوع عملیات انتقال، پرداخت، صادرات، برداشت یا معامله دیگری قرار گیرد». این عبارات، منع کلی از انتقال اموال را منعکس می‌کند. با این حال، دیوان یادآوری می‌کند که ایران در شناسایی اموال یا منافع اموال شرکت‌های ایرانی که به‌طور خاص تحت تأثیر فرمان اجرایی قرار گرفته‌اند، غیر از اموال بانک مرکزی، ناکام بوده است. از نظر دیوان، کلیه اموال مسدودشده به موجب فرمان اجرایی ۱۳۵۹۹ که ایران توجه دیوان را بدان جلب کرده، توسط سایر اقدامات اجرایی مسدود شده‌اند که در این دعوا موضوع شکایت نبوده است. بنابراین چنین اموالی تحت تأثیر فرمان اجرایی ۱۳۵۹۹ قرار نگرفتند.<sup>۵۴</sup>

این یافته دیوان خالی از ایراد و معاف از انتقاد نیست. اولاً همان‌طور که گفته شد، عمل قانونگذاری می‌تواند صرف‌نظر از اینکه قانون مورد نظر اجرا شود یا نشود، نقض تعهد تلقی و منجر

51. Supra note 1, 197.

52. Supra note 1, 198.

53. Supra note 1, 199.

54. Supra note 1, 200.



به مسئولیت بین‌المللی کشور شود. دوم و در مورد فراز آخر بند فوق‌الذکر هم باید گفت که مسدود شدن اموال توسط دستورهای اجرایی دیگر مانع از اعمال دستور اجرایی ۱۳۵۹۹ بر آن‌ها نمی‌شود. یک فعل می‌تواند مضمون قوانین متعدد قرار گیرد. دستور اجرایی اخیر نسبت به سایر دستورهای اجرایی عمومیت و اطلاق دارد و از این جهت مورد ادعا قرار گرفته است. دیوان می‌توانست از این زاویه به بررسی ادعای ایران بپردازد.

در مورد تأثیر احتمالی این یافته‌ها بر تصمیم آتی دیوان در قضیه نقض‌های احتمالی می‌توان گفت که پیشرفت دعوای ایران تا حدی که به ماده ۵ مربوط است، منوط به ارائه مصادیق اعمال این ماده نسبت به شرکت‌های ایرانی است. همچنین به‌چالش کشیدن رهیافت دیوان و تلاش بر اثبات نقض بودن یک مقررۀ قانون داخلی حتی اگر اجرا نشده باشد، شایسته بررسی و تأمل است. در مورد ماده ۷(۱) نیز به نظر دیوان، هرچند عبارت ممنوعیت اعمال محدودیت بر پرداخت‌ها و سایر انتقال‌های پولی موسع است، این عبارت در پرتو چارچوب کلی ماده ۷ صرفاً به معنای منع اعمال «محدودیت‌های تسعیر ارز» است؛ لذا چون موضوع اختلاف طرفین، وضع محدودیت‌های ارزی از سوی ایالات متحده نیست، از نظر دیوان، ادعای ایران قابل پذیرش نبوده و نقضی صورت نگرفته است.<sup>۵۵</sup> در این مورد نیز با توجه به تفسیر مضیق دیوان از ماده مذکور،<sup>۵۶</sup> پذیرش ادعای نقض آن منوط به معرفی مصادیقی از اعمال «محدودیت‌های تسعیر ارز» توسط امریکا برای شرکت‌های ایرانی است.

## ۴-۲. ماده ۱۰(۱) معاهده مبنی بر آزادی تجارت بین دو کشور

طبق این مقررۀ: «بین قلمروهای طرفین معظمین متعاهدین، آزادی تجارت و دریاوردی برقرار خواهد بود».

به عقیده دیوان، منظور از آزادی تجارت، روابط تجاری بین قلمرو دو کشور است. اما این بدان معنا نیست که هر گونه تجارت غیرمستقیم یا باواسطه، از شمول ماده ۱۰(۱) خارج است. در واقع معاملات مالی معمولاً از طریق کشورهای واسطه صورت می‌گیرد. همچنین برای نقض آزادی تجارت باید نشان داده شود که مانع واقعی در راه تجارت ایجاد شده است که این مانع ممکن است فیزیکی یا حقوقی باشد. دستور اجرایی ۱۳۵۹۹ و بخش (الف) ۲۰۱ قانون بیمه مخاطرات تروریستی (TRIA) و ماده (۱) (g) ۱۶۱۰ قانون مصونیت دولت خارجی، مانع واقعی در مقابل فعالیت‌های

55. *Supra* note 1, 207-208.

56. در مورد این تفسیر مضیق و انتقادات وارد به آن، ن.ک:

Annamaria Viterbo, "Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America)," *International Decisions* Edited by Olabisi D. Akinkugbe, *American Journal of International Law* 118, 1 (2024): 149.

تجاری شرکت‌های ایرانی در قلمرو ایالات متحده ایجاد کرده است. با تفسیر مذکور از ماده (۱)۱۰ در مورد تجارت غیرمستقیم بین دو کشور و تلقی کردن مانع قانونی به‌عنوان نقض آزادی تجارت، موضع ایران پذیرفته و تفسیر ایالات متحده رد شده است. با این حال، مصادیق نقض تجارت، عمدتاً محدود به چند مورد است مثل بدهی‌های ناشی از قراردادهای مخابراتی شرکت زیرساخت ارتباطات و خدمات کارت‌های اعتباری ویزا و مسترکارت.<sup>۵۷</sup>

در خصوص وجوه ضبط‌شده بانک مرکزی، دیوان به علت شرکت تلقی نکردن بانک، صریحاً ادعای ایران را مبنی بر نقض ماده (۱)۱۰ راجع به آزادی تجارت بین دو کشور در نتیجه ضبط آن وجوه بررسی نکرده است در حالی که در بند ۱ اشاره‌ای به تجارت توسط شرکت‌های دو طرف بین دو سرزمین نشده است و اطلاق آن بند شامل تجارت توسط مؤسسات و دستگاه‌های دولتی دو طرف نیز می‌شود. شاید علت این امر نتیجه‌گیری دیوان در بند ۵۴ رأی مبنی بر حاکمیتی بودن معاملات اوراق بهادار از سوی بانک مرکزی بوده است، اما با توجه به اینکه یکی از مبانی ادعای ایران، نقض ماده (۱)۱۰ به علت ضبط وجوه بانک مرکزی بود، اقتضا داشت که دیوان، همان‌طور که راجع به مواد ۳، ۴ و ۵ و همچنین وجوه متعلق به وزارت دفاع و نیروی دریایی به‌طور مشخص نتیجه‌گیری نمود،<sup>۵۸</sup> در مورد ادعای نقض «تجارت» موضوع ماده (۱)۱۰ در رابطه با ضبط وجوه بانک مرکزی نیز صریحاً اعلام نظر می‌کرد.

در پرونده تحریم‌ها نیز نقض ماده (۱)۱۰ طرح شده است اما مصادیق موضوعی ادعا محدود به کالاهایی است که تجارت آن‌ها بعد از برجام آزاد شد مثل هواپیما و فرش ایران یا کالاهایی که احیاناً قبل از برجام، تجارت آن‌ها بین دو کشور مجاز بود اما بعد از خروج ایالات متحده از برجام، مشمول تحریم‌ها قرار گرفت.<sup>۵۹</sup> به نظر می‌رسد که در صورت عبور این ادعا از سد ماده ۲۰ امکان تلقی محدودیت‌های امریکا در موارد فوق به‌عنوان نقض ماده ۱۰ منتفی نیست.

همان‌طور که گفته شد، دیوان در بند ۵۴ رأی ۳۰ مارس با اشاره به یافته خود مبنی بر شرکت تلقی نشدن بانک مرکزی تصریح می‌کند که صلاحیت رسیدگی به ادعاهای ایران را مبنی بر نقض مواد ۳، ۴ و ۵ معاهده در رابطه با رفتار ایالات متحده با بانک و اموال آن ندارد. اما تا حدی که به ماده (۱)۱۰ مربوط می‌شود، رأی دیوان در مورد ادعای نقض آزادی تجارت بین دو کشور به علت ضبط وجوه اوراق بهادار بانک ساکت است. سؤال این است که آیا امکان طرح مجدد این ادعا در پرونده تحریم‌ها وجود دارد. با توجه به محدودبودن صلاحیت زمانی دیوان برای رسیدگی به تحریم‌های بعد از خروج امریکا از برجام، درخواست حکم از دیوان در مورد اتفاقاتی که برای بانک مرکزی در دعوی پترسون رقم خورد، با مانع جدی مواجه است.

57. Supra note 1, 222.

58. Ibid.

59. Supra note 36, 216.

### نتیجه

با توجه به آنچه در خلال متن بیان شد، با توجه به تمایل دیوان به پیروی از رویه خود، و نظر به اینکه طرفین، مبنای صلاحیت و برخی موضوعات مورد اختلاف در هر دو دعوا، یکی هستند، تسری یافته‌های دیوان در رأی ۳۰ مارس ۲۰۲۳ در *دعوی برخی اموال ایران* به تصمیم آتی آن در دعوی نقض‌های ادعایی عهدنامه مودت، دور از انتظار نیست. بر این اساس، به احتمال زیاد، دفاع ایالات متحده بر اساس بند (د) ماده ۲۰ معاهده ۱۹۵۵ و ایراد ماهیتاً مقدماتی این کشور مبنی بر قصور شرکت‌های ایرانی در مراجعه به مراجع داخلی ایالات متحده برای اعتراض به تحریم‌ها پذیرفته نخواهد شد. پس تردیدی برای ورود به ماهیت نقض‌های ادعایی ایران باقی نمی‌ماند.

در موضوعات ماهوی، ادعای مربوط به شرکت‌های ایرانی طرف معامله با شرکت‌های امریکایی که مشمول تحریم‌های اولیه بعد از برجام شده‌اند بر اساس نقض بند ۱ ماده ۴ قابل پیشبرد به نظر می‌آیند. اما پذیرش ادعا راجع به تحریم‌های ثانویه در مورد نقض تعهد موضوع بند ۱ ماده ۴ بستگی به تفسیر دیوان از حدود سرزمینی این ماده دارد. در صورت فراسرزمینی دانستن تعهدات ایالات متحده در این ماده، به احتمال قابل اعتنا ممکن است ادعای ایران در خصوص روابط شرکت‌های ایرانی با کلیه شرکت‌های خارجی مورد قبول دیوان قرار نگیرد. شاید تعهد مذکور صرفاً به شرکت‌های خارجی متعلق به شرکت‌های تشکیل شده در سرزمین دو طرف که در تجارت بین دو کشور فعالیت دارند، مقید شود. این وضعیت می‌تواند در صورت تفسیر مخالف، به نفع ایران تغییر کند.

همین وضع در مورد تفسیر جمله دوم بند ۲ ماده ۴ نیز صادق است ضمن اینکه حتی در صورت تفسیر فراسرزمینی این بند از سوی دیوان، پیشرفت دعوی ایران، مشروط به معرفی مصادیقی از مصادره اموال شرکت‌های ایرانی در خارج از ایالات متحده، ناشی از تحریم‌های آن کشور است. همین نگرانی در مورد ماده ۱۰ نیز وجود دارد. نهایت آنکه با توجه به تفسیر دیوان از بند ۱ ماده ۱۰ عهدنامه مودت، موضوع نقض به احتمال زیاد به تجارت مستقیم یا غیرمستقیم کالاهای تحریم‌شده بعد از برجام بین دو کشور محدود خواهد شد.

## منابع:

1. *Alleged Violations of Sovereign Rights and Maritime Spaces in the Caribbean Sea (Nicaragua v. Colombia)*, Judgment, I.C.J. Reports 2022.
2. *Alleged Violations of the 1955 Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights (Islamic Republic of Iran v. United States of America)*, Preliminary Objections, Judgment, I.C.J. Reports 2021.
3. Annamaria Viterbo, Annamaria, "Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America)", International Decisions Edited by Olabisi D. Akinkugbe, *American Journal of International Law*, Volume 118, Issue no. 1, January 2024., 145-153.
4. *Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (Croatia v. Serbia)*, Preliminary Objections, Judgment, I.C.J. Reports 2008.
5. *Arrest Warrant of 11 April 11, 2000, (Democratic Republic of the Congo v. Belgium)*, Judgment, I.C.J. Reports 2002.
6. *Avena and Other Mexican Nationals (Mexico v. United States of America)*, International Court of Justice (ICJ), 31 March 31, 2004.
7. *Bennett v. Islamic Republic of Iran*, Case No. CV-11-5807-(CRB) (NJV) (N.D. Cal. Apr. 27, 2012).
8. C. Schreuer, Christoph, and Stephan. Wittich, "Immunity v. Accountability: the ICJ's Judgment in the Yerodia caseCase," *International Law FORUM du droit international*, 2022, vol. 4, no. (3), 2022, pp. 117-120.
9. *Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America)*, Merits, Judgment of 30 March, 30, 2023.
10. *Certain Iranian Assets, ibid., Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America)*, Merits, Judgment of March, 30, 2023, Separate Opinion of Judge Yusuf, pp. 1-7.
11. *Certain Iranian Assets, ibid., Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America)*, Merits, Judgment of March, 30, 2023, Separate Opinion of Judge Benouna, pp. 1-4.
12. *Certain Iranian Assets, ibid., Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America)*, Merits, Judgment of March, 30, 2023, Separate Opinion, Partly Concurring And Partly Dissenting, of Judge Robinson, pp. 1-9.
13. *Certain Iranian Assets, ibid., Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America)*, Merits, Judgment of March, 30, 2023, Declaration of Judge Salam, pp. 1-7.
14. *Certain Iranian Assets, ibid., Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America)*, Merits, Judgment of March, 30, 2023, Separate Opinion of Judge Momtaz, pp. 1-5.

15. *Certain Iranian Assets, ibid., Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America)*, Merits, Judgment of March, 30, 2023, Separate Opinion of Judge Nolte, pp. 1-4.
16. *District Court for the Southern District of New York in Peterson et al. v. Islamic Republic of Iran et al.*, Case No. 10 Civ. 4518 (BSJ) (GWG).
17. *Draft articles Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, with commentaries, ILC 2001, (A/56/10), Yearbook of the International Law Commission, 2001, vol. II, Part Two.*
18. *Draft Articles on Diplomatic Protection, ILC Yearbook 2006, vol II, part 2. Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts (2001)*, with commentaries, Vol II. Year Book of the International Law Commission.
19. Gilbert Guillaume, Gilbert. "The Use of Precedent by International Judges and Arbitrators," 2 *Journal of International Dispute Settlement* 2, (2011.), pp. 5-23.
20. J. Wouters, Jan, and Louis. De Smet, "The ICJ's Judgment in the Case Concerning the Arrest Warrant of 11 April 11, 2000: Some Critical Observations," *Year book Book of International Humanitarian Law* 4, 2001., vol. 4, pp. 373-388.
21. Memorial of Iran in *Alleged Violations of the 1955 Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights (Islamic Republic of Iran v. United States of America)*.
22. Mohamed Shahabuddeen, Mohamed. *Precedent and the World Court*. (Cambridge University Press, 1996.), pp. 241.
23. *Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v. United States of America)*, Preliminary Objection, Judgment, I. C. J. Reports 1996.
24. *Weinstein v. Islamic Republic of Iran*, Civil Action No. 00-2601 (RCL) (D.D.C. Feb. 6, 2002).